اطلاع رسانی
نشریه فنی مراکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
دوره هفتم شماره یک و دو

نکاتی چند درباره چکیده و چکیده نویسی

نوشتگه جلال مسوات

در دوره هایی از انتشار "مجله چکیده در زمینه علوم اجتماعی" که مستندات آن به هدف
نگارنده بود، ضمن بحث و گفتگو با همکاران چکیده نویس، همچنین طی تدریس چکیده نویسی در
دوره های آشنا با فعالیت‌های اطلاع رسانی در مرکز استاد و مدارک علمی و دیگر مراکز و سازمان‌ها،
گاه دیده می‌شد که بعضی موارد در ذهن همکاران یا شرکت کنندگان در کلیه‌ها، ابهام‌ها و اشکال‌پیاپی
وجود دارد. در اینجا می‌خواهم این ابهام‌ها و اشکال‌ها را مورد بررسی قرار دهم و درباره مسائل مربوط
به آنها گفتگو کنم:

۱- آیا چکیده همان خلاصه است؟

این سوال غالباً مطرح بوده و است که آیا چکیده همان "خلاصه" است. جواب ما اینست که
خیر. اگر پرسيده شود چرا می‌گوییم جهات پاسخ ما را نکات زیر و مطالبی که به دنبال آن می‌اید،
روشن می‌کنیم.

الف- خلاصه: به مفهوم ساده کرد نزدیک است. چکیده هرگز به مفهوم ساده کردن مطالب نزدیک
نیست. مثلاً در چکیده هیچگاه مطلب را برای محقق می‌کنیم.

ب- خلاصه: گاه بمعنی "میانی" است (نظر خلاصه حساب شیخ بهایی که مبانی علم حساب است، یا
مثلاً فيزيک نور برای سال چهارم دبیرستان که خلاصه و مبانی علم نور است). مفهوم "میانی" به
اعتباربیشتری به مفهوم "کلیات" نزدیک است (میانی فلسفه برای سال ششم ادبیات "میانی" صرف و نحو
عکس گرفتن است). بنابراین، خلاصه یک موضوع و این بیان کلیات آن موضوع با صرف نظر از ذکر
جزئیات آن. در حالی که در مورد چکیده نمی‌توان جزئیات حالی که گاه در یک مدرک علمی
جزئیات خود حاصل از اطلاعاتی اساسی برای محقق است. حتی در بسیاری از موارد در "جزئیات"
یک مقاله، مطالبی هست که اهمیتی که کل مقاله برای محقق متخصص دارد، درست در همان جاست.

۱- در اینصورت "میانی" معادل "اصول" است و این هنگام است که "اصول" در یکی از معانی خود
مقابل مفهوم "فروع" قرار می‌گیرد. نگاه کنید به بادااشت شماره (12).
بهمین اعتبار است که مختصات زرف بین غالباً اصرار بیش از حد در هر چه کوتاهترکنند چکیده را روا ندانسته اند، چرا که این امر موجب آن می شود که چکیده نویس به تجزیه و تعمیم بردارد و "کلی‌گویی" کند و پیداست که در کلی گویی و کلی نویسی نمی توان اطلاعات و آگاهیهای ویژه و تخصصی داد. فراموش تکنیک که محقق از آنجا که محقق است، کلیات را خود از بیش می داند.

ج- در خلاصه گاه از مهمترین مباحث نیز صرفنظر می کند، اما در چکیده ملمه هستیم که حتماً مهمترین مباحث را بدون استناد منعکس کنیم.

د- خلاصه گاه یعنی استنباط یا مدرک‌های مورد برای گروه‌هایی که یا (1) صرف نمی انجام سی. یا 2) بطور کلی از جهت زمینه ذهني و توانایی‌های علمی و یا 3) از لحاظ "علاقه فرهنگی" در شرایط معینی هستند، قابل استفاده کنیم.

در مورد 1 و 2) خلاصه الحساب شیخ بهایی، کتاب صرف میرتلایف میرسیدریف جرجی (در صرف زبان عربی)، القواعد الصمدية شیخ بهایی (در نحو زبان عربی)، تقریباً همه کتاب‌های دیستاری، دیبرسانتی و مدرسه ای را می توان مثال ذد. در مورد 3) تمام خلاصه‌های کتاب ادبی، خلاصه‌های داستان‌های فردوسی، خلاصه‌های سنتی، خلاصه‌های داستان‌ها رمان نویسان برگ، "یکی" کتاب در بیست مقاله، 50 کتاب در یک کتاب، "یک" کتاب‌های نظر "خلاصه‌های اخبار" (تأثیر خواندن در تاریخ و فلسفه، اولی قرن 10 ق). خلاصه الکفاره (تأثیر ابوطالب اصفهانی، در شرح حال و آثار شاهنشاه فارسی، قرن 13 ه ق) و "مانند اینها را می توان ذکر کرد. اما چکیده بر اساس هیچ‌کی از این سه مورد نوشته نمی شود.

در مورد اول و دوم علت بسیار روشان است. در مورد سوم دیدگی که خلاصه کردن برای آنها ایست که علاقه فرهنگی 1 محدود است، 2) بعضاً درگیر از این مورد، خوانندگان در اساس حوصله، طرفیت و میزان علاقه علمی و فرهنگی خود. فقط 3 مقدار وقت حاضر است برای موضوع مورد نظر صرف کند، ما بعنوان خلاصه کننده، مدرک علمی را فرهنگی یا هنری را برای او و مناسب با حال و حوصله و

1) "علاقه فرهنگی" یا نباید مطلق گرفت چنانکه ممکن است کسی فیزیکدان برچسبت ای باشد، ولی علاقه فرهنگی مثل در زمینه علم کلام اسلامی یا تاریخ نقاشی در زاین اندک و محدود باشد.

2) نوشته اند که در زبان‌های قدیمی یکی از شاهان یک روز تاریخ‌خواننده و عالمان دربار خود را فرا خواند و گفت می خواهم تاریخ عالم را از هویت ادامه عالم تا اموری برای من خلاصه کنید. عالمان رفته و تاریخ عالم را آنجا که او خواسته بود از هویت ادامه تا روزنامه سلطان در یک جلد تدوین کرده و اورده. شاه گفت: "یک‌هموه را چکینه می توان خواند؟" خلاصه کنید! عالمان کتاب را در پنجم جلد خلاصه کرده، شاه با نسبت و گفت خلاصه کنید و همچنین گفت خلاصه کنید. سراج‌نامه عالمان رفته، نگه کافی‌کردند و بر روی آن نوشته که "یکی از ما مدعه ای به این جهان ابدام، چندی زیستند و سپس مردند، آن را به شاه بردند. الله هیچ معلوم نبست که ای ای این عمل، شاه را خوش آمد به عالمان خشم گرفت!"
وقتی که می‌تواند برای این کار بگذارد، خلاصه‌‌ی که کنیم. در حالی که چکیده برای محققان است که به‌طور کلی در خلاصه‌‌ی "در هر سه مورد" در واقع چه یکی "باب نقدها" خوانندگان درست می‌کنیم؛ اما در چکیده مطلب کلی از قرار دیگری است. چکیده برای این است که محقق بتواند بیشن و جداکر مدرک را از نظر بگذارد. فرض کنید که یک نفر محقق در A مقدار وقت (حداکثر وقت واقعی یک محقق) بدون استفاده از چکیده، تنه بتواند B مقدار مدرک مورد نظر خود را ببیند، ما از طریق خدمات چکیده نویسی به امکان یک کمی که در همین مقدار وقت، جنگین برای B مقدار مدرک را از نظر بگذارد. بنابراین، می‌توان گفت که اصولًا "فلسفه" خلاصه نویسی و چکیده نویسی از هم جنادست چکیده برای خدمت به محقق و متخصص و بی‌منظور صرفه جویی در وقت ایست. خلاصه برای خدمت به غیرمحقق و غیرمتخصص است.

1. هدف خلاصه کردن بطور عمده در خود آن است. متن را خلاصه کنیم با این اعتقاد که برای گروهی معین در شرایط معین. این خلاصه "کافی است. البته منکست کمی، مثل‌ا پس از خواندن خلاصه داستان رستم و سهرا فردوسی عفافه مند شود که "اصل" و "مفصل" آن را در شاخامتی بخواند ولی ممکن است که در اینجا نمی‌توان گفت که این امر الزامی‌های هدف خلاصه کندن بوده است. چنان‌که مثالی از "بیست کتاب در بیست مقاله"، هدف اصلی و اساسی مؤلف و خلاصه‌کننده، بی‌فای کردن خوانندگان از این بیست کتاب بوده است هر علاوهی کرد اریا به این بیست کتاب، البته در برخی از موارد (مثل‌ا از بخشی از کتابهای دارسی) این جهت تمایل وجود دارد که خوانندگان داس‌آمری زا به اصل متن عفافه مند کنند، اما میزان این جهت گم نیست به کل موارد اندک است و هدف خلاصه کردن عمدتاً در خود آن است- بخلاف چکیده نویسی که هدف آن در خود آن است و در چکیده، هدف بی نیاز کردن خوانندگان نیست؛ بلکه این است که محقق و متخصص در جهت دستیابی به مدارک مورد نیاز واقعی خود راهنمایی شود.

2. بعضی گفته‌ای این که: "چکیده تمام نما یا جامع، استفاده کنند را از اصل مدرک بی نیاز می‌کند، با اعتقاد ما اگر اینان به‌کنین که در بخش موارد اکثر بی نیاز می‌کنند، سخنگویان می‌توانند قابل قبول باشند ولی اگر گویند بطور مطلق بی نیاز می‌کنند، سخنگویان مطلق‌ا است. امروز، صاحب‌نظران رفین من هم‌بین مهارت که در کار تحقیق، چکیده را می‌توان در بخش "محاسبات" اما در شرایطی که محقق به‌طور آزادی و مستقل می‌توانست باشم اصل مدرک مستر باید.

3. چنان‌که می‌دانیم نوعی از چکیده را "چکیده راهنمایی" نامیده اند، اما با گفتگوی چکیده که در منعی وسیع هر چکیده ای راهنما است.

4. بعضی گفته‌ای این که هم چکیده و هم خلاصه به‌کنین مدارک بی‌معنی مدارک است منتهی به حجم اکثر، ولی این اتفاق خطابه سی و هم‌بینی که گفتنی هم در چکیده و هم در خلاصه "انتحاب و گزینه" چون لذا نمی‌تواند قبول مطلق باشد. بنابراین، نه "چکیده" و نه "خلاصه" هیچکدام "میکروفلایم" نیست.
وهم چند که هم در چکیده و هم در خلاصه در هر دو - انتخاب و گزینش و لذا نوعی رد و قبول مطالب موجود در مدرک مورد نظر هست، اما ضابطه انتخاب در این دو یکی با هم فرق می‌کند. در خلاصه گلی تری و عامتیران و گاه "دلبرسکرم" مطالب انتخاب می‌شود، در چکیده نیز بودن و مفید بودن مطلب برای محقق و متخصص است که ضابطه انتخاب است.

زا خلاصه معمولاً از یک کتاب یا یکی از دانش‌ها یا یکی از معاف بری‌شی اخلاقی می‌گردد. خلاصه تاریخ تند، خلاصه منطق، خلاصه علم همیت، خلاصه تاریخ ساسانیان، و غیره - آن چه چکیده به طور عمد مشاهده شده از مقالات [مدل‌های] است که صورت می‌گیرد. آن‌هم بیشتر از مقالات در زمینه علم و علوم اجتماعی، اینکه آیا می‌توان در همه رشته‌های سیاسی ازجمله در هنر و داستان و ادبیات، چکیده تهیه کرد، به دیگری است که به جای دیگری به آن برداخت؟

این بود نکات اساسی تفاوت بین چکیده و خلاصه‌ها. حال ممکن است کسی به ما گویند که این تفاوت‌ها که ذکر کرده‌اید در واقع تفاوت بین "Abstract" و "خلاصه" است نه بین "چکیده" و خلاصه‌ها، چرا که "چکیده" در معناي عرفی، خلاصه تفاوتی با "خلاصه" ندارد و تنها در معناي اصطلاحی گرفته اید و این معنی را بر آن باید کرده اید - این تفاوت‌ها را با "Abstract" امروز آن که آن را تفاوت بین "چکیده" و "خلاصه" نمی‌کنند.

1. فرض کنید "Network" در مقالات مورد گفته است "Network" نمایندگان سیاسی که در یک دانشگاه می‌نیمین است چکیده مصاحبه یکی از زمینه‌های پژوهشی (به عنوان یک دانشگاهی) از راه‌هایی به سیاست‌های هم‌زمان و سیاست‌های هم‌زمان با توجه به مطالعات جامعه‌شناسی و روانشناسی و روان‌شناخت ادامه می‌دهد. و

2. با بد دانست که امروز بسیاری از ساختارهای خلاصه مدل آگاهی انرژی و هنری را گذاشته می‌گویند. این نوعی می‌گویند که با زمینه‌ای با راه‌هایی سیاست‌های هم‌زمان و روان‌شناخت ادامه می‌دهد. با بد دانست که امروز بسیاری از ساختارهای خلاصه مدل آگاهی انرژی و هنری را گذاشته می‌گویند. این نوعی می‌گویند که با زمینه‌ای با راه‌هایی سیاست‌های هم‌زمان و روان‌شناخت ادامه می‌دهد. با بد دانست که امروز بسیاری از ساختارهای خلاصه مدل آگاهی انرژی و هنری را گذاشته می‌گویند. این نوعی می‌گویند که با زمینه‌ای با راه‌هایی سیاست‌های هم‌زمان و روان‌شناخت ادامه می‌دهد.

3. با بد دانست که امروز بسیاری از ساختارهای خلاصه مدل آگاهی انرژی و هنری را گذاشته می‌گویند. این نوعی می‌گویند که با زمینه‌ای با راه‌هایی سیاست‌های هم‌زمان و روان‌شناخت ادامه می‌دهد. با بد دانست که امروز بسیاری از ساختارهای خلاصه مدل آگاهی انرژی و هنری را گذاشته می‌گویند. این نوعی می‌گویند که با زمینه‌ای با راه‌هایی سیاست‌های هم‌زمان و روان‌شناخت ادامه می‌دهد.

4. با بد دانست که امروز بسیاری از ساختارهای خلاصه مدل آگاهی انرژی و هنری را گذاشته می‌گویند. این نوعی می‌گویند که با زمینه‌ای با راه‌هایی سیاست‌های هم‌زمان و روان‌شناخت ادامه می‌دهد. با بد دانست که امروز بسیاری از ساختارهای خلاصه مدل آگاهی انرژی و هنری را گذاشته می‌گویند. این نوعی می‌گویند که با زمینه‌ای با راه‌هایی سیاست‌های هم‌زمان و روان‌شناخت ادامه می‌دهد. با بد دانست که امروز بسیاری از ساختارهای خلاصه مدل آگاهی انرژی و هنری را گذاشته می‌گویند. این نوعی می‌گویند که با زمینه‌ای با راه‌هایی سیاست‌های هم‌زمان و روان‌شناخت ادامه می‌دهد.

5. با بد دانست که امروز بسیاری از ساختارهای خلاصه مدل آگاهی انرژی و هنری را گذاشته می‌گویند. این نوعی می‌گویند که با زمینه‌ای با راه‌هایی سیاست‌های هم‌زمان و روان‌شناخت ادامه می‌دهد. با بد دانست که امروز بسیاری از ساختارهای خلاصه مدل آگاهی انرژی و هنری را گذاشته می‌گویند. این نوعی می‌گویند که با زمینه‌ای با راه‌هایی سیاست‌های هم‌زمان و روان‌شناخت ادامه می‌دهد.

6. با بد دانست که امروز بسیاری از ساختارهای خلاصه مدل آگاهی انرژی و هنری را گذاشته می‌گویند. این نوعی می‌گویند که با زمینه‌ای با راه‌هایی سیاست‌های هم‌زمان و روان‌شناخت ادامه می‌دهد. با بد دانست که امروز بسیاری از ساختارهای خلاصه مدل آگاهی انرژی و هنری را گذاشته می‌گویند. این نوعی می‌گویند که با زمینه‌ای با راه‌هایی سیاست‌های هم‌زمان و روان‌شناخت ادامه می‌دهد.

7. با بد دانست که امروز بسیاری از ساختارهای خلاصه مدل آگاهی انرژی و هنری را گذاشته می‌گویند. این نوعی می‌گویند که با زمینه‌ای با راه‌هایی سیاست‌های هم‌زمان و روان‌شناخت ادامه می‌دهد. با بد دانست که امروز بسیاری از ساختارهای خلاصه مدل آگاهی انرژی و هنری را گذاشته می‌گویند. این نوعی می‌گویند که با زمینه‌ای با راه‌هایی سیاست‌های هم‌زمان و روان‌شناخت ادامه می‌دهد.

8. با بد دانست که امروز بسیاری از ساختارهای خلاصه مدل آگاهی انرژی و هنری را گذاشته می‌گویند. این نوعی می‌گویند که با زمینه‌ای با راه‌هایی سیاست‌های هم‌زaman و روان‌شناخت ادامه می‌دهد. با بد دانست که امروز بسیاری از ساختارهای خلاصه مدل آگاهی انرژی و هنری را گذاشته می‌گویند. این نوعی می‌گویند که با زمینه‌ای با راه‌هایی سیاست‌های هم‌زaman و روان‌شناخت ادامه می‌دهد.
خلاصه پیدا کردن است و بنا براین هرگاه خلاصه (با کلیه ای نظر آن) را مداخله آبستراکت قرار می دادیم، همین تفاوت‌ها را نیز می شد بین خلاصه (با ان کلیه نظر) و چکیده در جهت ممکن
قابل شد.
این حرف به‌نتیجه کاملاً به ویجه نیست و از فکر و تأمل هم خالی نیست، تنها یک مطلب است که در این
سخن به آن توجه نشده است و آن است که اولاً چکیده در همان معناه عرف خود نیز تفاوت‌هایی با
خلاصه دارد (که مناسب در این مختصات نمی‌توانیم به بیان این تفاوت‌ها بپردازیم). ثانیاً کلیه چکیده
از خلاصه خلاصه - و از هر کلیه دیگری که در این زمینه تصور شود - برای بیان آنچه امروز فریکیان
(Ref) می‌گویند، مناسب است. اینکه از میان کلیه‌های فارسی و کلمات Abstract عربی معمولاً در زبان فارسی، کلمه عربی چکیده، مداخله آبستراکت انتخاب شده امری تصادفی و
انحایی بهبود است. اعتقاد ما این است که امروز کلیه‌های Abstract مداخله آبستراکت است.
با هدایت که عربی نیز کلیه خلاصه را عیناً مداخله آبستراکت قرار داده است. امروز در کشورهای
عربی، آبستراکت را یک مسئله می‌گویند که اسم موفقیت از مصدر 'استخلاص' است و استخلاص
بمعنی راهیابی یافتن، راهی‌یافتن، خلاص کردن، خلاصی طلبانه، برای خوش خالص کردن، و مانند
اینها آمده و گاه مداخله برگردیده هم استعمال شده است.
اگونا بنابر آنچه توضیح داده شد می توانیم بگوییم که مفاهیم خلاصه و چکیده به‌عنوان
قلمبیهاستند. از همان روزگاران بیشین خلاصه کردن مطالب، خلاصه حرفها، خنگ‌ها، خلاصه
خبر، و نیز چکیده شاهشه، چکیده کنی، چکیده ادب و هنر، چکیده سالوس، چکیده فضیلت
و تقوی، و مانند اینهای متعادل داشته و در محاوره و نویسندگی باش می‌رتفع است. منتها در یکی
دیده‌ای اخیر از میان این دو کلمه، کلمه چکیده به‌جای مناسبی کافی که با مفاهیم آبستراکت داشته
Abstract مداخله و برابر این کلمه انتخاب شده است، بدین‌سانا چکیده
پیدا کردن نیازی از صرفه جدی و مربوط به تمدن و دنبال جدید و رابطه انجیر اطلاعات و انتشارات است...

1 در شعرهای ایبده مقاله ای خواهی داشت تحت عنوان: (خلاصه، چکیده، مفاهیم تزیینیک به آنها) که در ان

مفاهیمی منتخب، گزیده برگزیده، گزینه، گزینه، زیده، نخست، مجمل، محکم، محکم، منسوب، خلاصه، چکیده،
فرشته در عصره، لب ارجوزه و نظیر آنها و ترکیبات و مسئله‌های بی‌پس از مراجعه به فرهنگ‌ها و لغتنامه‌های مختلف و
تاریخ لازم و گفتگو با تغییرات و اثراتی که از میان حکایت کافی از میزان نظم و میرور برجسته قرار می‌گیرد
و از کنون می شود تا حدودی برکتهای ارائه شده با این مفاهیم به‌مرز شخصی گردند. این مقاله تا حدودی کاربرد دیپ و
کلمات را عین اصلی که این می‌گویند در این، معنی‌هایی و مسئله که میرور عاطفه اهل اطلاعات و دین‌ترازیان داشت و کتاب
توجه به بررسی می‌شود. در این مقاله همچنین نمایش داد مفاهیم خلاصه، چکیده در عرصه ای و سعیر و نبود
عمق‌ترین روش شده و نیز این دو که چکیده بیش از هر کلمه دیگری فارسی و عربی برای بیان مفاهیم آبستراکت
مناسب است. میرور سیدی گر قرار می‌گیرد.

2 بر اساس، امروز در کشورهای عربی، چکیده درون را استخلاص، چکیده کنند را استخلاص، میرور چکیده را می‌ویسد.
ابن بود آنچه در پی برای پرفسر آیا چکیده همان خلاصه است؟ لازم به پدیداری بود توضیح داده شود.

بهره‌گذاری کننکاوا در این زمینه‌ها و بحث راجع به مسائل مربوط به آنها بر بعضی نقاط تابیک روشنی خواهد افزود و پیش‌آمده که چکیده نویس در روشنی بهتر می‌تواند به کار چکیده نویسی بپردازد.

۲- تناقض اصول در چکیده نویسی

یکی از اصول چکیده نویسی این است که چکیده باید حتی الامکان كوتاه باشد. اصل دیگر این است که چکیده باید برای استفاده کننده کامل روان و قابل فهم باشد. این دو اصل با هم متناقض و یا صحیحتر بگوییم متنازع و متعارض اند و غالباً جمع بین این دو برای بعضی در عمل تولید اشکال می‌کند و شاید در ذهن هم این را کم و بیش غیرقابل پذیرش می‌دانند.

اما اصول متناقض، هم وجود دارد و هم جمع بین آنها امکان پذیر این است و این امر منحصر به فن چکیده نویسی نیست. در بسیاری از موارد و در خیال از فنون، دانشها و معرفت بشری نیز این است.

برای نمونه در چند مورد اشاره می‌کنیم:

الف - در تعلیم و تربیت، اصول، غالباً دو یا یک هم متناقض اند. از جمله اصل "آزادی" و اصل "سندرمیت و اعتبار".

۱- اصل آزادی ۲- بر طبق این اصل باید کودک را آزاد گذاشت که به امور مورد علاقه و رغبت خود بپردازد. سلامت روح و روح و شکوفاپذیری شخصیت طلبه وابسته به این اصل است.

۱- اصل در لغت بمعنی به و بن و بیان و پیشه است. در عرف گاه در مقابل "فرش و گاه در مقابل بدن" استعمال می‌شود. در فرهنگ بمعنی فارسی، مبنا و صدر، شروع، اساس، اغلب، اول، و معاون آری به یونانی است. چنانه جهانی نشاننده یونان در بی‌یافتن اصل عالم وجود و موجودات بوده و یا در شناخت شناسی از اصل و مبانی معرفت بهبود شده است.

و اما می‌رود ماه از اصل در چکیده نویسی (و همچنین در مفهوم علوم و فنون) دیدگاه یا ملاک با شاخص علم و گاه صدر عمل و رفتار است. چنانکه گوییم اصل با صدر عمل چکیده نویسی، اصل با صدر عمل و رفتار تربیتی اصل با صدر عمل و رفتار اخلاقی و عرفه اصل علی‌رغم قانون اصل این است که صدر امری ممکن نیست.

۲- سبب از علی‌رغم بزرگ تعلیم و تربیت، در اصول آموزش و یوگش و حکم تقابلی آموزشی به وحید پرده‌گذاری است. دانشمند نامدار آلمانی (۱۸۵۴) Kerschensteiner از بین آن‌ها ثابت بود گفت که مشترک از همه کشورهای استرالیا ۱۹۶۳ (۱) این که در این مسجد کتاب و مقاله و رساله نوشته است.

در میان کتاب‌های فارسی در این زمینه، کتاب از زبان زبانی جهات دارای ارزش است:

اصول آموزش و یوگش تألیف دکتر محمد بن‌مریم جلد اول، طرح اصول، چابهار، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵.

- Principe de liberalite.
2- اصل سنبدیت و اعتبار: با اصل سلطه و حجیت، از مربی در عین اینکه برای اصل آزادی اعتبار قائل است و از همیت آن آگاه است، نمی توانند دست روي دست بگذارند و حرکات آزاد طقل را تماماً گدوند. مربی نماینده ارشادی جامعه است و بر طبق اصل سلطه بايد کودک را در جهت سیر تمدن و فرهنگ انسانی سوق دهد و در این کار هم غالباً لازم می‌آید که از خواست و لازم آنی طرف صرف نظر کند. البته، در یک کلاس عده‌ای هستند که بیشتر دوست دارند در ساعت درس در حیاط مدرسه بازی کنند، تا به درس معلم مثالاً در باب وجه التزامی یا اسیدها و بازها گوش کندند. بايد با اعمال نفوذ به حریم آزادی آنان تواضع کرد.

همین اعمال نفوذ و نجاوز به حریم آزادی، است که به را می‌سازد. بدون اصل سلطه، رابطه بین دو طرف تعیین و ترتیب (مثلًا شاگرد و معلم) بی معنی است، اما از طرف دیگر، امپر اصل آزادی در رسید و شکوفایی شخصیت کودک مورد تایید است. ظاهرآً بنظر می‌رسد که این دو اصل هر یک به تنها یا روا و جا در تقابل با دیگری ندارند و تابعیت آمیزی در بست بی‌کلام، این اصول تنها در تقابل با یکدیگر است که کامل‌زا و به جا هستند. مربی خوب و موفق کسی است که بتواند در کار تربیتی خود این دو اصل را با هم جمع کند - همچنین چکیده نوبنیز خوب و موفق نیز کسی است که بتواند دو اصل مورد نظر در چکیده‌نویسی را که به آنها اشاره کرده، بخوبی با هم جمع و ترکیب کند.

3- تعیین دیگری از چکیده
در اینجا می‌خواهیم تعریف تازه‌ای از جکیه‌باده به دست‌دهیم. به اعتقاد ما، این تعریف دقیقتر و روشن‌تر از تعریف‌های پیشین است که تا کنون از جکیه‌باده ارائه شده است. این اینکه تعریف مورد نظر از هر جهت بر خوانندگان روش به نخست به ذکر مقدمة ای نیلز‌نیلزدیش، این مقدمه را در نهایت

اختصاص این می‌کنیم:

در علوم و مهندسی ارتباطات و بیان‌های در نظریه‌های ارتباطات، در مفاهیم اساسی و بیان‌های اهمیت وجود دارد که عبارت‌اند از: حشو (روح‌الله‌تروی) و اختلال‌های دیگر به توضیح

مختصری درباره حشو نیلز‌نیلزدیش:

در علوم و مهندسی ارتباطات و بیان‌های در نظریه‌های ارتباطات، در مفاهیم اساسی و بیان‌های اختلال‌هایی دیگر که از حداکثر توانایی دستگاه استفاده نشده باشند. فرض کنید یک دستگاه ارتباطی در مدت زمان معینی، توئیت‌های انتقال A مقدار حشو را داشته باشد، اما در این مدت زمان معین (با فرض اینکه دستگاه مرتب کار کرده باشد)، اطلاعاتی کمتر از A مقدار بوسیله دستگاه انتقال گرفته باشد، این امر بعد حشو و تکراری است که در مجزای ارتباط با پیام همراه شده است. مقدار حشو، همراه با مقدار اطلاع نسبت مکوسی دارد.

در علوم و مهندسی ارتباطات، آزادوئن (خالی بودن) کدها از حشو، دارای اهمیت بیشتر است و مختصات در این زمینه به‌عنوان تحقیقات و سه‌پاره ساخته می‌شوند. بعضی از پژوهشگران به طبیعت ر암ی درآورده و بر این اساس تحقیقات خود را با سه‌پاره ساختن بررسی می‌کردند. هدف آنها ایستاده که استفاده از دستگاه‌های ارتباطی با صرف کمترین فشار و گرفتن بیشتر باره اطلاعات انجام گیرد.

1. یکی از راه‌حل‌های تعریف جکیه‌باده این است: جکیه‌باده به‌مدل عبارت است از اصطلاح و فکری که به‌صورت کلی به درک عبارت است از اصطلاح. به‌معنای این است که گفته شده: جکیه‌باده به‌مدل عبارت است از اصطلاح. نوشت
2. برای احتمالی با نظریه ارتباطات، جکیه‌باده به‌سیستم سیستم‌های مقدارّن و مفاهیم اطلاع، نوع نوشت
3. - Redundancy
4. - Noise.
باری، می‌توان گفت که "حشو"، هرگونه اسراف در پی بردن علائم و کلمات است. متخصدان می‌گویند هرگاه دسته‌ای از علائم که تشکیل بنا می‌شود از داده را در نظر گرفتند، در صورتی که بتوان این رشته را بدون نکه به محتوای اطلاعات لطمه‌ای وارد شود، کوتاه و عناصری از آن را حذف کرد، پیام درآی "حشو" است. بعثرت دیگر، حشو هن چنین است که در یک پیام قابل حذف است بدون نکه به محتوای اطلاعاتی آن پیام صدمه ای وارد نماید.

اما ناباید بهداشت که "حشو" مطلقاً منفی است. مهندسان و متخصصان علوم ارتباطات خود، حشو را به دو "مقید" و "لزوم" تقسیم کرده‌اند. آن حشوی که محتوای اطلاعاتی را از خطر خاصی با انباش حفظ می‌کند و می‌توان بکمک آن اطلاعاتی را بی‌هدفن بکنیم نامی‌رساند که Claude E. Shannon در مورد حشو مقید و لزوم هر چک برای خود نیازهای های این در خواندن نامه، روزنامه، کتاب، در مکالمه تلفنی و مانند اینها، آگاهی نامه‌ها، اتفاقات و آسیب دیده را نیز به‌طور کامل در حشو مقید است که جبران می‌کنیم. با انتخابه‌های هر وقت که مطلقاً از حشو صحیح می‌کنیم، منظور حشو خالی و غیرمقید است.

در سلسله ارتباطات حشو و وجود ندارد. شماره تلفنی که این داشته اید و دوستان ب به شما داده است، در صورت وجود هرگونه نقص، اشتیاق و افتادگی حتی در یکی از ارقام آن، جبری است بطور کلی برای هیچ، بدون ارسال اطلاعاتی و به‌فایاده، اما عکس سلسله اعداد، زبان طبیعی بی‌ار خوش است اهم از حشو مقید و حشو غیرمقید است. بر طبق تحقیقات که می‌خواهیم از حشو، می‌خواهیم در پایه گذر نظریه Claude E. Shannon زبان‌های مختلف بین ۵۰ تا ۶۰ درصد است. کلود شانون ارتباطات حساب کرد که ۷۵ تا ۸۰ درصد زبان اگلیسی راید است در زبان آلمانی تخمین زده‌اند که ۷۰ درصد مکالمات روزمره مدرم حشو است.

اکنون، پس از ذکر این مقدمه، تعریف مورد نظر از جوهره‌ها به‌ساده می‌دهم؛ جوهره یک مدرک، عبارت است از انتخاب اطلاعاتی که مناسب و مقید در آن، و بیان این اطلاعات بنحوی که از هر جهت، تا

1. Redundancy.
2. Leere Redundancy.
3. در علم بدین‌نژد در مورد حشو بحث می‌شود، در اینجا حشو به‌ناه نشانده، و می‌لنج می‌تفند که حشو می‌لنج در حالتی که به ادعا سخن بی‌میانی‌اند و آن را روش ده و ملام ای نشته، به این بیت حافظه توجه کرده:

چندین هر چگونه که روانش خوش باد

در این بیت عمارت که روانش خوش باد حشو است و حشو می‌لنج است.

4. فرم جوهر، ادبی، حافظه، و منفی ترجمه به‌ساده، می‌خواهیم دکتر محمد بهزاد و محمد حیدری ملایری، (تهران: کتاب‌های جنی، تهران، ۱۳۵۷ ص. ۱۵۵).

حد امکان از حضور خالی باشید. در اینجا برای آگاهی بیشتر خواندنگان شاید لازم باشد توضیحی نیز اضافه کنیم:
توجه چرا تعیین را ساده تر نکرده و مثل اطلاعی چیکنی‌ها عبارت‌سازی از برطرف کردن حضور از مدرک علمی مورد نظر؟ پاسخ مطلب بقرار زیر است:
در نظریه ارتباطات تازه و کهن بودن، مفید و غیرمفید بودن اطلاعات به باور مطرح نیست. در این نظریه، اطلاعات ارزش گذاری نمی‌شود. بنابراین در برتر کردن حضور از اطلاعات است که مطرح است. در اینجا اطلاع از برطرف کردن حضور از اطلاعات چنین نشان داده شده که محققی چه در قرار و چه در نواری اطلاعات محققی در مورد ترکیب افکارهای همسایه باشند چه درباره وقوع جنگ بهانه‌ای در حالی که ما در چنین‌ها ارزش گذاری اترون گذازی بلحاظ تازه بودن و مفید بودن اطلاع از برای محققی می‌کنیم. در چنین‌ها انتخاب می‌کنیم و هر اطلاعی را معکس نمی‌کنیم. علاوه بر این، برای نوشتن چنین‌ها، پس از انتخاب، موارد انتخاب شده را شکل داد و به آنها صورت بخشید.
از آنجا که چنین‌ها نمی‌توسد، علی‌الاصول باید متخصی موضوعی باشد، خود می‌داند که در یک مدرک، رساندن کدام اطلاع برای حقیقی لازم است و کدام نیست. این از انتخاب مطالب و اطلاعات تازه و مفید، یا چنین نشان دهند که بهنام معنایی که در نظریه ارتباطات هست، تا حد امکان برطرف کند. آنگاه این مواد خالصی را شکل دهد و به بیان درآور. اما در مرحله بیان نیز، باید تا حد امکان از بکر بردن حضور اجتناب ورزد. اینست که در تعیین چنین‌ها گفتنی، ... از هر جهت، تا حد امکان از حضور خالی باشند. یعنی هم موارد انتخاب شده باید تا آنجا که ممکن است، از حضور خالی باشد و هم صورت و نحوه بیان مطالب و دیگر چرخه چنین‌ها از این دو ... ماهی و صورت، ساخته می‌شود.
در نتیجه جنگه و چنین‌ها نمی‌توسد. به چنین‌ها هست که در فرض‌های مناسب در همین نشان
در مورد آنها سخن خواهیم گفت.

باداشته‌ها

1 ـ در اینصورت ممکن است اصول، است و این هنگامی است که اصولی در یکی از معانی خود مقابل معنایی اصول قرار می‌گیرد. نگاه کنید به باداشت شماره (۱۲).
2 ـ البته "عقاید" و فرهنگی را نباید مطلی گرفت. چنین‌ها ممکن است کسی، فیزیک و نارنجی بر جسته‌ی ای باش. ولی عقاید فرهنگی مثلاً در زمینه علم کلام اسلامی یا تاریخ نفی‌شان در زاین انگ و محدود باشد.
۳) نوشته‌ای اند که در زمان‌های قدیمی‌یکی از شاهان یک روز تاریخ‌خوان و عالماً دربار خود را فرا خواند و گفت می‌خواهیم تاریخ عالم را از هیپو آدم عليه السلام تا امروز، برای من خلاصه کنید. عالماً رفتند و تاریخ عالم را انجان که او خواسته بود از هیپو آدم تا زمان‌گزار سلطان در سی جلد تدوین کردند و آوردها. شاه گفت: اینهمه چگونه می‌توان خواند؟ خلاصه کنید؟ عالماً کتاب را در پنج جلد خلاصه کردند. شاه باید نسبت‌دادن و گفت خلاصه کنید و همچنان گفت خلاصه کنید. سرانجام عالماً رفتند. تکه کاغذی برداشتند و بر روی آن نوشتهند که: پیش از ما عده‌ای به این جهان آمدند، جنده زیستند و سپس مردند و آن را پیش شاه برندند. البته هری معلوم نیست که آیا این عمل، شاه را خوش آمد یا عالماً خشم گرفت! گرفت.

۴) بعضی گفتند این که: "چکیده تمام نما یا جامع، استفاده کنید" را از اصل مدرک‌های برای می‌کند. اعتقاد ما اگر این‌گونه که در برخی موارد تا‌حدود‌یک می‌کند. سخن‌کننده می‌تواند قابل قبول باشد ولی اگر گویند بطور مطلق بی‌نیاز می‌کند. سخن‌کننده مطلقاً اشتیاق است.

۵) امروز صاحب‌نظران زرف بین همواره تذکر می‌دهند که در کار تحقیق، چکیده‌ها را نمی‌توان در روند من‌نابحی بهبود آورده، اما در شرایطی که محقق به‌لتی طریقی تنوت‌شان باشد به اصل مدرک دست یابد.

۶) چنانکه می‌دانیم نوعی از چکیده را "چکیده راهنما" نامیده اند، اما با گفت نیست که در معنای وسیع هر چکیده ای "راهنما" است.

۷) بعضی گفتند این که هم چکیده و هم خلاصه یک مدرک، همان مدرک است منتهی یا حجم اندک و یکی این‌جواب خط‌زا همانطور که گفتنی هم در چکیده و هم در خلاصه، "اتخاذ و گزینش" و یا نوا نیست و قبول مطالب هست. بنابراین، نه "چکیده" و نه "خلاصه" هیچگاه "میکروفیلم" نیست.

۸) گفتیم "چکیده" بطور عمده از مقالات صورت می‌گیرد. پس این اکثر نت‌نداز چنانکه امروز چکیده نویسی از گزارش‌ها و رساله‌های علمی، فرهنگی و سیاسی نیز کامل‌اً معمول است. چکیده حتی ممکن است چکیده مصاحبه یکی از زمان‌داران با خاطرات سیاسی یکی از رجال دوام باشد. چکیده از این‌جا، چکیده جوان و سناگشته‌ها هم داریم. بتاینی در بعضی از کشورهای اروپایی چکیده کردن پایان نامه‌های تحصیلی در دوره دکتری در رشته‌های مختلف، نیز توسعه و روند به‌بیان فاقد است.

۹) این داستان که امروز بسیاری از صاحب‌نظران خلاصه کردن آثار ادبی و هنرهای را کاری بی‌عنی می‌دانند. نظر آنها بر این اساس مبنی است که: "خلاصة" هرگز قادر نیست ظرافت و زیبایی‌های آثار ادبی و هنرهای را که ارزش این قبیل آثار نیز در واقع بسته به آن است، منعکس کند و انتقال دهد. بعضی از آنان تا آنجا پیش رفتند که گفتند: "خلاصة..."
کردن، کشتن است که انشفتان تسوایی، وقتی خلاصه یکی از رمانهای داستان‌پسکی را دید گفت: در اینجا چیزی ضایع شده است، در اینجا همه چیز ضایع شده.

حال، اگر خلاصه کردن آثار ادبی و هنری را بر هر اساس که چکیده داشت، به معنی بیان دیده‌است که چکیده کردن آنها را نیز بر هم همان اساس بی معنی خواهیم دانست. البته با این توجه داشت، که مقاله‌ها، رسالات و هر نوع مدرکی که در تحقیق و تحلیل و بررسی آثار ادبی و هنری باشد، حساسیت جدایت...  

(9) - چنان‌که می‌دانیم برای چکیده انواع ذکر گردیده اند، اما بعضی از این انواع (مثلاً چکیده عنوانی) از چکیده گزارشانی را اصولاً نمی‌توان چکیده دانست. بطور کلی چکیده شامل سه نوع بیشتر نیست: چکیده تمام نما با جامع، چکیده راهنمای و چکیده ای که مخلوطی از این دو است (چکیده هایی که باری استفاده از کامپیوتر بگم رونده سیاسی شدند). در این مقاله، همه جا نظر می‌ماند که اینان به کنار چکیده ولی در نیازه به چکیده تمام نمانست، چکیده تمام نما با جامع informative انتقال اطلاعات بهترین و عالی‌ترین نوع چکیده است. در جامعه های بیشتری، در نهایت چکیده از مقالات دقیق و سنگین استفاده از این نوع چکیده هر روز بیشتر رواج می‌یابد.

(10) و (11) - در شماره بی‌بی‌بی مقاله ای خواهیم داشت تحت عنوان: (خلافه و چکیده) و مقایسه پیشینیک به آنها) که در آن مفهوم‌های متنوع بازی، گزیده، برگزیده، گزینه، گزینه، گزینه، زیبایی، خلاقیت، متفکر، خلاقی، چکیده، فردی، ایضار، لب، ارجوزه و نظیر آنها و ترکیبات و مشنقات هر یک بس از مراجعه به فرهنگی و لغتنامه‌های مختلف و تامل لازم و گفتگو با تعدادی از صاحبان و اهل فن، با ذکر شواهد کافی از منظوم و نظر مورد بررسی قرار می‌گیرد و در آن کوشش می‌شود تا حذف هر یک از این مقایسه بدرستی مشخص گردد. این مقاله تا حدودی کاربردی دیق این کلمات را معمای مین می‌کند و بدنی‌گونه در آن، بعضی نکات و مسائل که مورد توجه اهل اصلاح و دوستان داشته و کتاب تویان بود، بررسی می‌شود. در این مقاله همچنین تفاوت دو به نام چکیده در عرض و سپر و شنیده و شریده این دو عده که چکیده پیش از هر کلمه دیگر فارسی و عربی باین مفهوم "استراتاک" مناسب است، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

(12) - بر این اساس، امروز در کشورهای اعرابی، چکیده کردن را استخلاص، چکیده کننده را مستند و مجله چکیده را مجله مستند شده می‌گویند.

(13) - اصل در گفت بعنوان بیش و بیش و بیش است. در عرف گاه در مقابل "فرغ" و "گاه" در مقابل "بدل" استعمال می‌شود. در فلسفه بعنوان سرچشمه، منشاء و مصدر، شروع، اساس، آغاز،
اول، و معادل "آرخه" یونانی است. چنان‌که حکم‌ای نخستین یونان در پی یافتن آصل‌ عالم وجود و موجودات بوده اند و یا در شناخت شناسی از اصل و مشاهده معرفت به هم شود.

و اما مواردی از "آصل" در چیکیه نویسی (و همچنین در بعضی از علوم و فنون و معارف و موارد بسیار دیگر) "مصدر" یا ملاک یا ضابطه عمل، و گاه "مصدر عمل و رفتار" است. چنان‌که گوییم یا به مصرف عمل و رفتار ترتیبی، اصل یا مصرف عمل و رفتار اخلاقی، و غیره.

اصل غیر از قانون است. اصول می‌توانند با یکدیگر "متناقض" باشند. در مورد قانون است که چنین امری ممکن نیست.

(14) - بسیاری از علماء بر این می‌خواهند که بحث برداخته‌اند از یکان انان شاد بیان بتواند گفت که بی‌بی‌هی یا همین آشتایر دانشمند نامدار آلمانی (1854–1932) است که در این مبحث، کتاب و مقاله و Kerschensteiner رساله نوشته است.

در میان کتابخانه‌های ایرانی در این زمینه، کتاب زیر از بسیاری جهات در مورد است:

اصول آموزش و پرورش، تألیف دکتر محمد باقر هوشیار. جلد اول، طرح اصول، چاپ سوم. تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، 1347.

(15) - "اصل نفرت" و "اصل اجتماع" نیز از همین قرار است.

(16) - یکی از راجع‌ترین تعاریف چیکیه این است: "چیکیه یک مدرک عبارت است از خلاصه و فشرده مدرک به‌حیوه که محقق با‌خواندن آن بتواند برای خود معلوم کند که آیا اصل مدرک به کار او می‌آید یا نه". این تعریف در واقع نوعی "مصدر" به مطلوب است؛ مثل این است که گفت‌شود: "چیکیه یک مدرک علمی عبارت است از چیکیه آن..." قسمت دوم عبارت نیز در حقیقت قاب‌داده چیکیه را می‌رساند و جزو تعریف نیست.

ما در اطلاعات مقالات درباره چیکیه و چیکیه نویسی، راجع به کمیها و کاستیها و نیز ابزارها و اشکال‌های بیخ بر بعضی تعاریف موجود از چیکیه، در مواضع مختلف بمناسبت، مطالب و اشکال‌های خوادمی داشته.

(17) - برای آشنایی با "نظیره ارتباطات" رجوع کنید به قسمت سوم از سلسله مقالات "مفهوم اطلاع" نوشته جلال مسوات. تحت عنوان "مفهوم اطلاع در علوم و مهندسی ارتباطات" نشریه اطلاع رسانی، دوره هشتم، شماره دوم، سال 1363، ص. 119–127. این مقاله نامنام است و ادامه آن را در شماره‌های بعدی همین نشریه ملاحظه خواهید کرد. در اطلاعات این مقاله همچنین درباره "حسو" نیز مطالبی بالاسب مفصلا خواهید داشت.

(18) - در "علم بیدایت" نیز در مورد "حسو" بحث می‌شود. در انجا نمی‌رود حس می‌شود. در اینجا نمی‌رود حس می‌شود. به سه نوع قبیح، متوسط، و ملیح تقسیم می‌کند. برای نمونه حس ملیح را توضیح می‌دهیم:
حشوه ملیح آنست که به عذوبت سخن بیفروید و آن را رونق دهد و ملاحت بخشید. به این بیت حافظ توجه کنید:

پر پیمانه کش من که روانش خوش باد گفت پرهمیز کن از صحبت پیمان شکنان در این بیت عبارت "كه روانش خوش باد" حشوه است و حشوه ملیح است.

(10) در ادامه سلسله مقالات "مفهوم اطلاع" که در یادداشت شماره (15) به آن اشاره شد، به‌طور نیز تحت عنوان "دستگاههای ارتباطی و مسئله ارزش‌های خواهیم داشت.

(20) یادداشت شماره (9) را مورر کنید.